

تبیین طرح واره الگوی فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور

آرمان رستمی تنگکی^۱، علی اصغر ماشینی^{۲*}، عباس قلتاش^۳، سیداحمد هاشمی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۷ صص ۲۸۸-۲۶۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۷

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر « تبیین طرح واره الگوی فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور » است. این پژوهش با روش تحقیق آمیخته با رویکرد متوالی اکتشافی انجام گرفته و متناسب با ماهیت پژوهش از ابزارهای گردآوری اطلاعات استفاده شده و از حیث معیار وسعت، پهنانگر ملاحظه گردیده است. جامعه آماری این پژوهش، ۲۱۲ نفر از کارشناسان آموزشی شاغل در اداره آموزش و پرورش استان بوشهر و نمونه طبقه ای تحقیق، ۵۲ نفر کارشناس خبره ی منتخب از میان این مجموعه بود. در بخش کمی، ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با روایی و پایایی معتبر و در بخش کیفی، از روش مصاحبه نیمه باز استفاده گردیده است. تلفیق داده ها در هر دو مرحله ی کمی و کیفی با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS و تکنیک تحلیل عاملی صورت گرفت و در نهایت یافته ها نشان داد که در صورت طراحی و اعتبار بخشی مناسب الگوی امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، می توان به نقش بی بدیل اعانات و احسان داوطلبانه عمومی در پیشبرد نظام آموزش رسمی کشور به مراتب بیش از سایر مولفه ها در تقویت و کارآمدی نظام آموزشی پی برد.

کلیدواژگان؛ احسان و نیکوکاری، آموزش رسمی، امداد داوطلبانه عمومی، کارآمدی نظام آموزش و پرورش

۱ - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد. ایران

۲ - استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران ایمیل: ac.ir.mashinchi@iau.lamerd

۳ - دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

۴ - دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

* نویسنده مسوول mashinchi@iau.lamerd.ac.ir

مقدمه

بی تردید، نظام زندگی اجتماعی انسان بدون همیاری داوطلبانه امدادگران، خیرین و محسنین سامان نمی یابد و «طراحی الگوی امداد و نیکوکاری در نظام آموزش رسمی کشور» با محور مدیریت مشارکتی عامه، از ضروریات امروزی عصر اطلاعات به حساب می آید. «مشارکت، نوعی همراهی عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی، یکدیگر را یاری داده و در مسوولیت امور شریک شوند. مدیریت مشارکتی عامه، همان سهیم دانستن عموم در هدایت و اداره امور کشور است.» (Mehrmoammadi, 2006:54) در این میان، مقوله آموزش و پرورش رسمی بیش از سایر مقولات نیازمند اشتراک مساعی، مداخله اجتماعی و حمایت مردمی است. به همین منظور در جوامع مختلف برای تدوین، اجرا و تبیین مدل‌های نقش‌آفرینی مشارکتی در فرایند آموزشی، افراد و اقشار خیرخواه و سازمان‌های حمایت‌گر عام‌المنفعه تأسیس و اجرای وظایف مختلف را به عهده گرفته‌اند. قطعاً همیاری محسنانه مردم در مسائل آموزشی و پرورشی، و مشارکت سازمان‌های دولتی در تأمین قسمتی از نیازهای آموزشی، اگر به نقش بی‌بدیل احسان و امداد عمومی در غنای پدیده آموزش اندیشیده شود، آشکار می‌گردد که نظام کنونی آموزش و پرورش کشور به شدت نیازمند چنین حرکات خیرخواهانه‌ای است و تفویض مدیریتی به شایستگان، تمرکززدایی از نظام تعلیم و تربیت، ارتقای نقش رسانه‌ها در تبلیغ اهمیت امداد رسانی به آموزش و پرورش، استفاده از تجربیات اولیاء و صاحب‌نظران در مدارس، می‌تواند راهگشای مناسبی در بالا بردن مشارکت مردم و پرورش نیروی انسانی کارآمد باشد. به باور پژوهشگران، مهم‌ترین راه کاهش وابستگی آموزشی به درآمدهای دولتی، توجه به عناصر داوطلبانه حمایتی و سازمان‌ها و کمیته‌های امدادی مردمی است. امداد خودخواسته مردم، شرط لازم برای بالندگی و پویندگی اداره تعلیم و تربیت کشور به حساب می‌آید و اگر از این زاویه‌ی خیرخواهانه مشارکت غفلت صورت گیرد، بسیاری از ایده‌های امیدبخش و اهداف نظام آموزشی محقق نخواهد شد. فرهنگ‌سازی، حذف موانع گوناگون مدیریت عمومی از عوامل تسهیل‌کننده مشارکت آموزشی هستند که می‌تواند پیامدهایی از جمله: خود‌مدیریتی، توسعه یادگیری دوجانبه، بهره‌وری بهینه، اعتماد مردم و بالندگی مخاطبان را در پی خواهد داشت. طراحی و اعتبار بخشی الگو و رویکردی که بتواند به تحقق امداد و احسان در مدیریت بهینه فرایند آموزش رسمی کشور بینجامد، سبب بهبود ساختار اجرایی و حذف موانع مشارکت مدیریتی نهاد آموزش خواهد شد. با توجه به گستردگی حیطه‌ی نفوذ آموزش و پرورش، نهادهای مدرسان دولتی، خصوصی و مردمی می‌توانند در خصوص ترویج فرهنگ امداد و نیکوکاری و توسعه‌ی خیریه‌های آموزشی، به نحو مؤثری عمل کنند. قطعاً ارتباط بین ادارات کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی، سازمان‌های

حمایتی مردم نهاد با ادارات آموزش و پرورش می‌تواند زمینه‌ی اقدامات فرهنگی گسترده‌ای را در متن جامعه به ویژه در مدارس و نظام تعلیم و تربیت به همراه آورد و جایگاه فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام آموزش رسمی کشور تبیین شود. «توسعه پایدار به انسان‌های نوع دوست کل نگر، دارای تفکر سیستمی، بینش فرارشته‌ای و مشارکت جو نیاز دارد و چنانچه آموزش و پرورش پویا از ظرفیت مربیان حمایتگر در سنگر مدرسه در ساختار و مجاری نظام آموزش و پرورش استفاده گردد، روحیه همکاری اجتماعی فراگیر خواهد شد.» (Khadivi & Maleki, 2007) والدین، نیکوکاران و مربیان خیرخواه مدارس از جهات مختلف می‌توانند در ترویج فرهنگ امداد و نیکوکاری در آموزش رسمی نقش ایفا کنند. از قبیل:

الف) ایجاد پیوند و ارتباط افراد خیر با مدرسه و دانش‌آموزان: یکی از اقدامات مؤثری در این زمینه، تجلیل از نیکوکاران و خیران و معرفی آنان به عامه خصوصاً دانش‌آموزان است. به عنوان مثال، خیرانی که در ساخت یا تجهیز مدرسه‌ی دانش‌آموزان مشارکت داشته‌اند، به مدرسه دعوت و مورد تجلیل و احترام قرار گیرند. آن‌ها می‌توانند با بیان اهداف خود از وقف زمین یا ساخت و تجهیز مدرسه و ... به عنوان یک الگوی مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرند و گزارش نیک اندیشانه‌ی خود را ارائه کنند.

ب) تبلیغ روشنگرانه و دادن آگاهی لازم به دانش‌آموزان در زمینه‌ی امداد، یاری و نیکوکاری در فرصت‌های مختلف سال، شرط ترویج و توسعه احسان و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت هر کشور است. اعتماد جامعه به فرهنگیان و علاقه‌مندی افراد خیر و واقفان نیکوکار به توسعه و بهسازی فضاهای آموزشی از سوی دیگر، فرصت مناسبی برای شناسایی، ارتباط و ایجاد انگیزه در آنان برای استمرار فعالیت‌های خیرخواهانه است. بی‌شک، مدار عمل امداد و احسان، خیر رسانی حداکثری است و پدیده‌ی احسان، رفاقت است نه رقابت. و اگر روح حاکم بر مددکاری اجتماعی «رقابت آمیز» باشد، منجر به تناقض عملیاتی و موازی کاری خواهد شد. در غالب کشورهای اسلامی و غربی نیز، مساله امداد و خیرات (اوقاف) در امور اجتماعی و آموزشی موج می‌زند که از این نکته، تحت عنوان (Islamic trust) نام می‌برند.

بر این اساس، «کایزر و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند: حمایت‌نخبگان نیکوکار از موقوفات آموزشی موجب ایجاد فرهنگ سواد پیشرفته در بدنه جامعه می‌شود. (Kaiser & et al. 2017) «کیمر و همکاران^۲ (۲۰۱۸) نیز عنوان می‌کنند که بهبود شرایط نظام آموزشی مدیون امداد عمومی به

۱- Kaiser, et al

۲- Kiemer, et al

ویژه توانمندان جامعه است که نه تنها باعث انگیزش بیشتر مربیان بلکه موجب عملکرد بهتر دانش آموزان گردیده و اسباب توسعه مدنی و رفاه اجتماعی خواهد شد. (Cimer, A, 2015).» در جهت حمایت از دانش پژوهان و نوآموزان بی بضاعت پیش قدم هستند و با اهدای بسته های غذایی، ملزومات فرهنگی و آموزشی و مستمری برای دانش پژوهان، در مسیر توسعه دانش کمک می کنند و با تصویب طرح «اخلاق امداد اجتماعی» از این اقدام، احساس خشنودی دارند. اجرای برنامه های معین برای بالندگی و کارآمدی امور خیریه و نیکوکاری در نهاد تعلیم و تربیت، متضمن علاقه مردم به تداوم حیات اجتماعی و همبستگی در جامعه خواهد بود و این کنش خیرخواهانه عمومی در فرایند تعلیم و تربیت، نشان از ظرفیت بی نظیر اعتقادی مردم در مورد حمایت از همنوعان دارد.» (Curan, 2006:84)

مهم ترین رویکرد در زمینه امداد و نیکوکاری، ضرورت سازمان یافتگی و توسعه الگوی اجرایی احسان اثربخش در دستگاه های آموزشی، اداری و اجرایی است. دیگر مثل گذشته نمی توان مصداق نیازمند و نوع نیاز او و نحوه تأمین آن را به صورت فردی مشخص کرد. حتی اگر هم چنین کاری مقدور باشد، غالباً زمینه های تعلیم و تربیت که به شدت مستلزم امداد خیرین است، مغفول واقع خواهد ماند. لذا طراحی و شناسایی و هدایت اعتبارات و برنامه های خیرخواهانه به عهده اصحاب آموزش و پرورش و نهادهای مدنی و موسسات خیریه است تا هنگامی که این اعانات به مجرای سازمان دهی حرفه ای وارد می شود، رود خروشان نیکوکاری همه جانبه را تشکیل دهد و پویایی اخلاقی نیکوکاری را چند برابر نماید. (Musapour, 2016:24)

مساله اصلی این پژوهش چنین است: بهترین طرح واره نظری و الگوی مفهومی برای ترویج فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام آموزش رسمی کشور کدام است؟ پاسخ به این سوال، مستلزم نگاه تیزبینانه به مقوله ی احسان عمومی در جامعه، خاصه نیک اندیشی در حوزه رفتارهای خیرخواهانه آموزشی و پرورشی است. ساختار تعلیم و تربیت سده پیش روی، با محدودیت ها و البته اقتضائات خاصی مواجه است که حل تمامی چالش ها جز با یاری و احسان نهادهای امدادی و امداد داوطلبانه عموم مردم میسر نیست. واقعیت این است که در اجرای برنامه های میان مدت و بلند مدت توسعه ی آموزشی و اجتماعی، آنچه ذهن برنامه ریزان را بیشتر به خود مشغول می کند، محدودیت منابع در مقابل مصارف است و طبیعتاً کشورهایی در این زمینه موفق خواهند بود که بتوانند از تعدد منابع حمایتی برخوردار باشند. کنش های داوطلبانه خیرین نیکوکار در

۱ Social risky funds

۲ Social Aid Ethics

تأسیس و بهره برداری از مدارس آموزشی در مناطق محروم تاثیر بسزایی در استقرار فرهنگ امداد رسانی در جامعه دارد. خیران مدرسه ساز و مدرسه یار و نهادهای یاری کننده حوزه آموزش و پرورش، سهم برجسته ای در ساخت و تجهیز مراکز آموزشی دارند و با اقدامات محسانانه، الگوی توزیع عدالت آموزشی، توسعه متوازن علمی در سطح جامعه هستند. ضرورت و اهمیت گسترش نظام آموزشی مردم محور نیز منوط به طراحی الگوی فرهنگ احسان و نیکوکاری داوطلبانه توانمندان جامعه است و زیبایی آهنگ شتاب علمی کشور، در گرو پیاده سازی موفق مقوله نیک ورزی در عرصه نظام آموزش و پرورش رسمی خواهد بود.

پیشینه پژوهش

سویا تحقیقات مشابه، پژوهشی مستقل در حوزه طراحی و اعتباربخشی الگوی فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام آموزش رسمی، تاکنون منتشر نشده است. آثار زیر، گوشه ای از مطالعات در این زمینه است:

فلاحنداری و بیات (۲۰۱۷، Falahatdary & Bayat) در مقاله ای تحت عنوان «**توجه به امور خیریه در تدوین برنامه درسی (رسمی، غیر رسمی)؛ عاملی اثر بخش در نیل به جامعه ی خیر**» به پژوهش پرداختند. آنچه در پژوهش حاضر مد نظر است، تبیین ظرفیت های برنامه ی درسی و هوشمندی برنامه ریزان تحصیلی به عنوان مهم ترین زیر نظام های سیستم آموزشی است که پتانسیل بسیاری را در جهت فرهنگ سازی سخاوت آموزشی در جامعه داراست و در تدوین برنامه درسی از این نکته نباید غافل ماند.

علمی سولا و همکاران (۲۰۱۶، Elmi sola & et al) در مقاله ای با عنوان «**انفاق و جایگاه آن در توسعه علم و دانش با تاکید بر صدقه آموزشی**» بر این نکته تأکید ورزیده اند که صدقات آموزشی و موقوفاتی که سبب ارتقای تحصیلات، خاصه در سطوح دانشگاهی می گردد، از منظر علمی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. دستاورد این تحقیق تلاشی است در جهت کاهش آسیب های اجتماعی از طریق تشویق به انفاق .

حسن نژاد (۲۰۱۶، HasanNejad) در مقاله ای با عنوان «**تاثیر امور خیریه در آموزش های رسمی با تاکید بر نقش بنیادهای علمی-آموزشی بر دانش آموزان بورسیه کنکوری**» نشان داد امور خیریه به منزله بازویی توانا به یاری بخش های مختلف جامعه می شتابد. در امور آموزشی نیز با توجه به محدودیت بودجه دولتی و اهمیت آن در راهیابی داوطلبان به دانشگاه، نقش امور خیریه در توانمند سازی آموزشی، قابل ملاحظه است.

موسی پور و همکاران (۲۰۱۷, Mousa pour & et al) در مقاله ای با عنوان «**ارائه الگوی کارآمد تربیتی امور خیر و نیکوکاری در بستر نظام آموزش و پرورش**» معتقد است: رسالت آموزش و پرورش، پرورش انسان های توانمند برای برآوردن نیازهای جوامع بوده است. در این میان، امروزه آموزش و تربیت رفتارهای نیکوکارانه از جایگاه ویژه ای برای تامین اهداف انسان دوستانه جوامع برخوردار است. در چنین شرایطی، نظام آموزش و پرورش، ناگزیر است الگوی کارآمد نیکوکارانه را سرلوحه اقدامات خود قرار دهد.

مروتی (۲۰۱۷, Morovati) در مقاله ای با نام «**جایگاه هبه و امور خیر در ترویج و توسعه دانش**» ثابت نموده است نقش هدایا، نذورات، اوقاف و صدقات برای تاسیس و اهداء مدارس، دانشگاه ها و کتابخانه ها، درمانگاه ها، نوشت افزارها، ابزار های کمک آموزشی حتی اهداء جسد به مراکز آموزش پزشکی به وسیله افراد نیکوکار و حمایت های صندوق های قرض الحسنه و... در ترویج فرهنگ آموزشی بسیار حائز اهمیت است. و ضرورت تداوم این سنت حسنه جهت رفع محرومیت اجتماعی همواره احساس می شود.

حسینی (۲۰۱۵, Hoseini) در مقاله ای با عنوان «**خیر مدرسه ساز، از مدرسه سازی تا تصمیم سازی مشارکتی در تغییرات آموزشی**» چنین نتیجه گرفت: مدارس خیریه یکی از قدیمی ترین رخدادهای آموزشی است که تاکنون شکل مشهود آن، بازسازی یا تجهیز مدارس و تامین هزینه های مرتبط در این زمینه بوده است. یکی از زمینه های بسط خیریه آموزشی، مشارکت خیرین آموزشی در تصمیم سازی آموزشی است.

وانگ و همکاران (۲۰۱۷, Wang & et al) در نتایج پژوهشی پیرامون «**الگوی تسهیم دانش به مدد شهروندان نخبه**» چنین بیان می کنند که «تسهیم دانش فرآیندی است که در آن افراد نخبه به صورت داوطلبانه دانش آشکار و پنهان خود را با کارکنان دیگر به شیوه های مختلف مانند نوشتاری، گفتاری، ابرازها و انتشار رسمی و غیر رسمی به اشتراک می گذارند و بدین سان در روند دانش افزایی و مشارکت علمی سهیم می گردند. این فرایند مشارکت و سهم خواهی در زمینه ترویج امور آموزشی از ضرورت امروز دنیای علم است.

هوکو، آلام و عبدالله (۲۰۱۷, Hoko & alam & abdillah) پژوهشی با عنوان «**بررسی اثر مشارکت های مردمی بر روند تقویت کمی و کیفی مدارس در بنگلادش**» انجام دادند. نتایج حاصل از پژوهش فوق الذکر نشان داد که به میزان مشارکت و تعاون مردم در اداره ی مدارس بنگلادش، تقویت فرایند تعلیم و تربیت و متعلمان در بستر آموزش میسر گردیده و به هر میزان از همراهی عمومی در حوزه تعلیم و تربیت، غفلت صورت گیرد، باید منتظر عواقب جبران ناپذیر و رکود سنگین آموزشی در جامعه بود.

وورمن و تنبرگ (Vyverman & Vettenburg, 2016) در پژوهشی با عنوان «مشارکت عمومی در آموزش» معتقدند: باید قبول کرد که تغییرات اجتماعی و تحولات تعلیم و تربیتی در جامعه از سرعت بالایی برخوردار است و شامل تمام طبقات اجتماعی و فرهنگی است، ولی این تغییرات، بشرط اولویت بندی آموزشی، بنیادی نیست و لذا برای تحقق توسعه آموزشی، این نکته تهدید جدی محسوب نمی گردد.

سوال اصلی:

طراحی و اعتباربخشی الگوی امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور چگونه ارائه می گردد؟

سوالات فرعی :

ارائه چارچوب و طرح واره نتیجه بخش الگوی فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور چگونه ترسیم می گردد؟
۲- اعتباربخشی و کدگذاری مولفه ها، شاخص طبقات و تحلیل رویکردهای اثربخش الگوی مزبور چگونه میسر می گردد؟

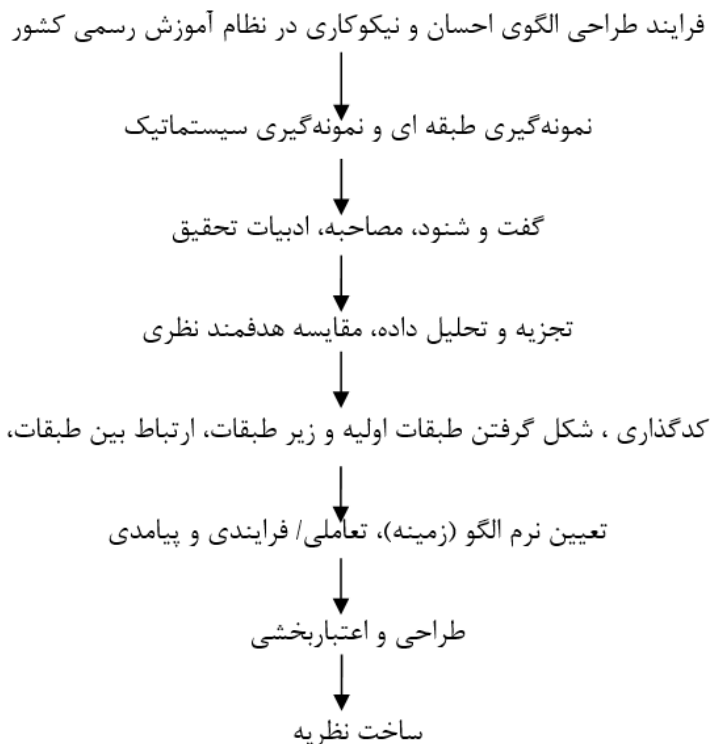
روش تحقیق

جهت ترسیم الگوی مطلوب این پژوهش، استفاده از روش ترکیبی (کیفی- کمی) و تکنیک تحلیل عاملی به عنوان روشی در خدمت برآورد روایی ابزار تحقیق، مد نظر است. در بخش روش شناسی کیفی تحقیق، هدف؛ شناسایی، طبقه بندی و استخراج مفاهیم براساس مطالعه ی متون یا مبتنی بر دیدگاه خبرگان است. جامعه آماری تحقیق حاضر در مطالعات کیفی که با استفاده از مصاحبه انجام می شود، شامل مدیران و خبرگان حوزه مورد مطالعه است. جامعه ی آماری در بخش اعتباربخشی الگوی مطلوب پژوهش کنونی، کارشناسان ارشد آموزش در اداره آموزش و پرورش استان بوشهر و روسای ادارات مناطق و مدیران مدارس دارای حداقل ۱۰ سال تجربه مدیریت که هر سه گروه به صورت هدفمند انتخاب گردیدند. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش ۲۱۲ نفر از کارشناسان آموزشی شاغل در اداره آموزش و پرورش استان بوشهر و نمونه طبقه ای تحقیق ۵۲ نفر کارشناس خبره ی منتخب در این مجموعه بود. در بخش روش شناسی کمی تحقیق، اطلاعات متکی بر پارادایم اثباتی است. برای سنجش اعتبار پژوهش، در این تحقیق ۴۷ گویه در پرسشنامه طراحی شده است. نمونه مورد مطالعه تحقیق حاضر، ۵۲ نفر از کارشناسان خبره آموزش در اداره آموزش و پرورش استان بوشهر است که نمونه گیری طبقه ای با استفاده از روش تک مرحله ای انجام می شود. برای اطمینان از کافی بودن

حجم نمونه از آزمون بارتلت استفاده می شود. پس از آن داده های کمی در سطح نظام آموزشی تحلیل می گردد. در این پژوهش از تحلیل همبستگی مولفه های پژوهش، جهت سنجش موضوع استفاده خواهد شد. در این پژوهش، ۵۲ پرسشنامه بین مخاطبان هدف (کارشناسان منتخب آموزشی ادارات آموزش و پرورش استان) توزیع شد که در آن نوع روایی انتخاب شده، روایی سازه است که موجه بودن ابزار مورد استفاده در تحقیق حاضر را فراهم می کند و نوع پایایی، پایایی درونی آلفای کرونباخ است که سازگاری درونی سوالات (گویه های تحقیق) را با عامل اصلی تحقیق کنونی (احسان و نیکوکاری در نظام آموزش رسمی کشور) مورد ارزیابی قرار می دهد.

ارائه الگو

پس از مطالعه مبانی نظری و متدولوژی پژوهش، در تحلیل عاملی اکتشافی، پژوهشگر به دنبال تهیه الگویی است که فرض می شود عامل اکتشافی داده های تجربی را بر پایه چند پارامتر اندک، توصیف یا توجیه کند. این مدل مبتنی بر اطلاعات پیش تجربی درباره ساختار داده های تحقیق است. در این مرحله یک الگو یا مدل براساس ترجمان یک نظریه به معادلات ریاضی تهیه شده و ضمن ترسیم نمودار، روابط علی بین متغیرها نشان داده می شود. بعد از مشخص کردن متغیرهای پنهان، باید شاخص های مشاهده شده را انتخاب و به آنها وصل کنیم. تطبیق مدل تخمین زده شده از طریق آزاد کردن پارامترهایی که قبلاً ثابت بوده اند یا ثابت کردن پارامترهایی که قبل از آن آزاد بوده اند، میسر است. نرم افزار لیزرل Lisrel مکمل نرم افزار SPSS است که در علوم انسانی استفاده می شود. اگر آزمون های تناسب نشان دهند که مدل به طور کافی متناسب با داده هاست، باید بر روی پارامترهای مدل، مدل متناسب شده مورد ارزیابی قرار می گیرد.



«جهت ترسیم و تحلیل الگوی مطلوب امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، الگوی عملیاتی پیشنهاد شده از طریق روش تحلیل عاملی مرتبه دوم با مقیاس حداقل مجزورات جزئی برای برآورد الگو استفاده شد. تحلیل الگوی روش اکتشافی با صرفه‌ترین روش تبیین واریانس مشترک زیربنایی یک ماتریس همبستگی را مشخص می‌کند.» (سیدعباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) الگوی پیشنهادی پژوهشگر جهت تبیین مولفه‌های فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی متناسب با حیطه‌های شناختی بر مبنای مؤلفه‌ها، نمودها، مشخصه‌ها و راهکارها در جداول زیر آمده است. در این الگو، ابتدا به مؤلفه‌های فرهنگ نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت متناسب با هر یک از حوزه‌های شناختی پرداخته شده و به اقتضای هر یک از این مؤلفه‌ها، نمودهای شاخص ارائه شده است. برای روشن شدن ماهیت نمودها، به مشخصه‌ها پرداخته و در نهایت برای هر یک از این نمودها، راهکارهایی ارائه شده است.

جدول (۱). الگوی امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی متناسب با حیطه ی معرفتی

مولفه ها	نمودها	مشخصه ها	راهکارها
آموزش اخلاق اجتماعی	مربیان مدرسه	مربی مشاوره و معاونان پرورشی	* برقراری تعامل با سمن های نیکوکار جامعه * تشکیل گروه محسنین و نیکوکاران در مدرسه
سواد تعاون	مربی تعلیمات اجتماعی مدرسه	ناظر بر ابعاد نیک ورزی دانش آموزان	* ایجاد انجمن یاوران کم بضاعت مدرسه * آشناسازی دانش آموزان با زوایای امداد اجتماعی
تعلیم و تربیت دینی	روحانی مدرسه	مسوول آموزش، گسترش و تعمیق فرهنگ دینی در دانش آموزان	* برقراری تعامل با ارگان های فرهنگی و دینی * آشنا سازی دانش آموزان با ابعاد مذهبی نیکوکاری * دعوت از روحانیون و کارشناسان درمورد نیکوکاری
مسوولیت پذیری اجتماعی	مدیر مدرسه	مسوول حل اختلاف در مسائل مدرسه مطابق شایستگی ها	* مسوولیت دهی به دانش آموزان در امور مدرسه * برقراری تعامل مدرسه با خانواده و نهاد های معین
خودآگاهی	روانشناس مدرسه	مسوول تأمین آرامش روانی و ذهنی دانش آموزان در مدرسه	* برقراری ارتباط و تعامل با روانشناسان مشاوره * شناسایی مشکلات مالی و روانی دانش آموزان در جهت انجام نیکوکاری به آن ها * تدارک کارگاه های آموزشی مهارت های نیکوکاری

یافته ها و نتایج پژوهش

سوال اصلی: طراحی و اعتباربخشی الگوی امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور چگونه ارائه می گردد؟ در پاسخ به این سوال که به منظور دستیابی به اطلاعات از روش کیفی متوالی و تحلیل نظری استفاده شد، گفتنی است: در برهه معاصر، طرح ریزی الگوی محوری فرهنگ امداد و نیکوکاری در همه ساختارهای اجتماعی به ویژه در حوزه آموزش رسمی از اهمیت خاصی برخوردار است. این ضرورت راهبردی از آنجا ناشی می شود که اگر دست اندرکاران دستگاه های آموزشی بخواهند برای کسب اطمینان از کارآیی راهبردهای مدیریتی و وظائف سازمانی خود، آگاهی ها و درایت لازم را حاصل کرده و در حوزه کاری تحت امر خود شاهد

دستیابی مطلوب و اثربخش فعالیت‌های سازمانی باشند، انجام این امر مهم جز با تکیه بر استانداردها و معیارهای مصوب الگوی مزبور میسر نیست.

جدول تحلیل عاملی اکتشافی گویه‌های مشارکت و امداد در نظام آموزش مدارس

عامل ۴	عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	مولفه‌های اثرگذار
			0/78	۱- تلاش برای شناسایی آسیب‌های حوزه آموزش
			0/71	۲- ارائه راهکارهای بومی برای حل نیکوکارانه مشکلات مدرسه
			0/66	۳- تقویت نظام تربیتی و یادگیری جدید در فعالیت‌های مدرسه
			0/72	۴- پشتیبانی مثبت روحی و معنوی از فراگیران آموزش رسمی
			0/64	۵- کارآمدسازی تعلیم و تربیت حرفه‌ای مدارس محرومین
			0/59	۶- احسان دوره‌ای از اقشار آسیب‌پذیر و مددجویان اجتماع
			0/49	۷- ارزش قائل شدن مدرسه برای من در همه امور
			0/81	۸- برنامه ریزی قبل از شروع انجام تکالیف، درباره نحوه انجام آن
			0/74	۹- برنامه ریزی خیرخواهانه در راستای تقویت اطلاعات درسی
			0/62	۱۰- جمع‌آوری صدقات و اوقاف در خصوص مدرسه‌سازی
			0/68	۱۱- ارائه خدمات عام‌المنفعه به نظام آموزشی
			۰/۵۹	۱۲- دشواری در دریافت اعانات، برای توسعه و حمایت از مدرسه
			0/49	۱۳- استفاده از سبد حمایت‌سلب‌ریتی‌ها و هنرمندان از توسعه آموزشی
			0/48	۱۴. تعمیر و نگهداری و صیانت از اموال آموزش عمومی
			1/52 1/81 1/83 2/04	ارزش ویژه
			10/8 12/9 13/0 14/6 9 9 9 0	درصد واریانس تبیین شده

یافته‌های تحقیق در زمینه‌ی طراحی الگوی فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، از نظر هدف و نتیجه با تحقیقات شاه انور (۲۰۱۴)، حسن نژاد و همکاران (۱۳۹۵) و حسینی (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

سوالات فرعی :

ارائه چارچوب و طرح واره نتیجه بخش الگوی فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور چگونه ترسیم می گردد؟

در جواب این سوال که با نمودار تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم به تفسیر کشیده شده است، می توان گفت : طرح واره نتیجه بخش الگوی فرهنگ امداد و نیکوکاری در نظام تعلیم و تربیت رسمی، متاثر از حیطه های مختلف نگرشی و شناختی است و تابعی از نمودار موفقیت الگوی فرهنگ امداد اجتماعی است. از جمله ویژگی های این الگو می توان به بومی بودن، توجه به ویژگی های مخاطبان، علمی بودن، سادگی، بدیع بودن، نگاه تربیتی و رویکرد فعال در آموزش اشاره کرد. البته به کارگیری این الگو مستلزم توجه به مواردی است که از آن جمله می توان به داشتن یک نگرش سیستمی و کل نگر به آموزش چند فرهنگی، مدیریت مشارکتی مدارس و توجه به مسائل ساختاری و سازمانی اشاره کرد. توجه به طراحی منطبق با هدف در همیاری محسنین و نیکوکاران اجتماعی با محوریت امدادهای آموزشی و آگاهی از میزان اثربخشی برنامه های گذشته تاکنون و ارزیابی کارایی نتایج به دست آمده، از مهم ترین اقدامات دستگاه های فرهنگی به شمار می رود. برای دستیابی به این هدف، باید از ظرفیت تمامی مراکز دولتی و غیردولتی در این زمینه بهره جست. طراحی کلان الگو مربوط به شورای برنامه ریزی آموزشی است؛ اما طراحی در سطح خرد بر عهده مربیان است. اکثر مدل ها وقتی می توانند به داده ها برازش دهند که پارامترها به اندازه کافی برآورد شوند و تعداد نسبتاً کمی از پارامترهای آزاد را توجیه کند.

نمودار تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم طرح واره نتیجه بخش نیکوکاری در حوزه آموزش

جدول (۴) شاخص های برازش مقیاس مشارکت محسنین در مدرسه

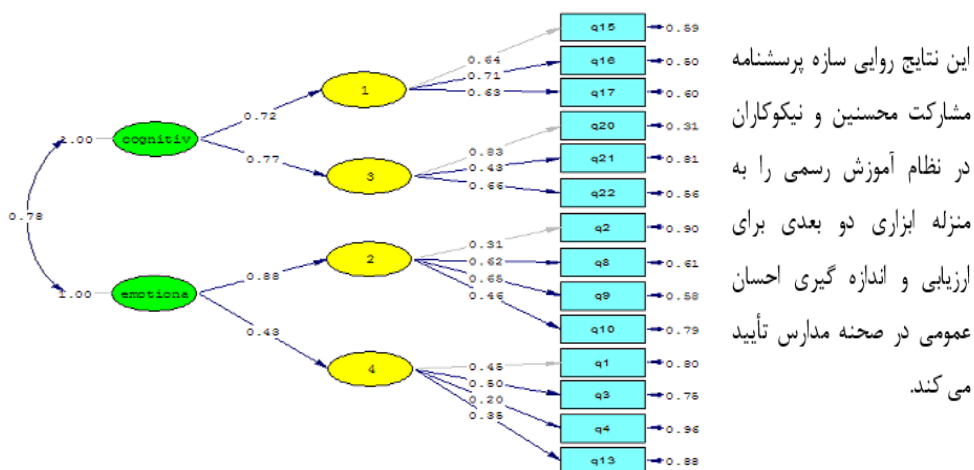
شاخص	(X2)	(df)	(X2/df)	(GFI)	(GFI)	(AGFI)	(IFI)	(RMSEA)
مدل	۱۳۷/۱۲	۷۳	۱/۸۷	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۰۵۲

نتایج تحقیق در پاسخ به این سوال با یافته های شاه انور (۲۰۱۴)، حسن نژاد و همکارانش (۱۳۹۵) و حسینی (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

۲- اعتباربخشی و کدگذاری مولفه‌ها، شاخص طبقات و تحلیل رویکردهای الگوی مزبور چگونه صورت گرفته است؟

اعتباربخشی، تعیین حد مقبول و نرم معقول برای الگوی مورد نظر است و کدگذاری، فرآیندی است که در آن داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درمی‌آیند. ارایه الگویی مناسب برای اعتباربخشی وظیفه‌ای خطیر برای نظام نظارت و ارزیابی سیستم می‌باشد. اهداف اختصاصی شامل: تعیین شاخص‌های عملکردی و ارائه الگوی پیشنهادی برای اعتباربخشی و تعیین مقبولیت ملی الگوی پیشنهادی در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور از اولویت‌های الگوی مطلوب است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، الگوی پیشنهادی پس از اعتباربخشی توسط نظام آموزشی، فرایند خودارزیابی و انجام ارزشیابی توسط کارشناسان امر قادر خواهد بود به ارزیابی کیفیت و تقویت رویکرد احسان عمومی در ساختارهای آموزشی بینجامد. این نتایج روایی سازه پرسشنامه مشارکت نیکوکاران در نظام آموزش رسمی را به منزله ابزاری دو بعدی برای ارزیابی امداد عمومی در صحنه مراکز آموزشی تأیید می‌کند. از جهت بستر اجرایی نیز الگوی پیشنهادی می‌تواند مورد استفاده نهاد آموزش و پرورش و دستگاه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت قرار گیرد. جدول شاخص‌های برازندگی تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول عامل‌های کشف شده

شاخص‌ها	(X ² /df)	(P)	(GFI)	(AGFI)	(CFI)	(RMSEA)
	۱/۸۷	۰/۰۰۰۰۱	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۴	



Chi-Square=134.69, df=72, P-value=0.00001, RMSEA=0.052

جدول ۱: انواع شاخص‌های برازش مدل و مقدار مجاز آن‌ها

نام شاخص	حد مجاز
مجذور کای χ^2	نباید در سطح ۰,۰۵ معنی‌دار باشد ($p > 0,05$)
χ^2/df	کمتر از ۳ و حتی کمتر از ۵
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA	مقادیر کمتر از ۰,۰۵: برازش خوب مقادیر بین ۰,۰۵ و ۰,۰۸: قابل قبول مقادیر بین ۰,۰۸ و ۰,۱: متوسط مقادیر بزرگتر از ۰,۱: ضعیف
نیکویی برازش GFI	بالتر از ۰,۹
نیکویی برازش تعدیل یافته AGFI	بالتر از ۰,۹
شاخص برازش تطبیقی CFI	بالتر از ۰,۹
شاخص برازش هنجار شده NFI	بالتر از ۰,۹
شاخص برازش هنجار شده تعدیل یافته NNFI	بالتر از ۰,۹
ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد RMSR	مقادیر نزدیک به صفر بهتر است

در مطالعه تحلیلی پیرامون موضوع این پژوهش، این نکته محرز گردید که طراحی الگوی موفق احسان در آموزش و پرورش، نیازمند یک عزم ملی و امداد همگانی برای توسعه و تحول است که بدون مشارکت و نیگوکاری مردم و خیرخواهی داوطلبانه تحقق نمی‌یابد و تغییر جهت منابع درآمدی به سمت تربیت نیروی انسانی، به‌عنوان مهم‌ترین منبع ملی اقدامی ضروری است. اولین گام در این زمینه، می‌تواند تغییر در نگاه مسوولان و مردم و در واقع، فرهنگ سازی باشد. لذا باید توجه داشت که بدون مشارکت و احسان مردم در آموزش و پرورش نمی‌توان تحول بنیادین ایجاد کرد. مدرسه به عنوان کانون نظام آموزش رسمی کشور، باید منبع درآمد غیردولتی و خیرخواهانه (نه سودجویانه) داشته باشد و براساس همین منابع، مدیران، و خانواده‌ها، تصمیم لازم را برای رسیدن به اهداف پرورشی و آموزشی بگیرند.

درمقام تحلیل علل موثر بر روی موضوع پژوهش، نتایج زیر با استفاده از نرم افزارهای آماری ویژه حاصل شد.

۱- بنا به دلایل مختلف فرهنگی و اقتصادی، سهم سید سنی میان سالان و بزرگسالان (۴۰ تا ۴۹ سال و ۵۰ سال و بیشتر) در این صحنه مشارکت جویانه به مراتب بیش از سایر طبقات سنی قابل ارزیابی و اعتباربخشی است.

- ۲- میزان مداخله، مشارکت و توانمندی بانوان و آقایان در این زمینه متفاوت است. زنان با ۳۸/۴۶ (۲۰ نفر) و مردان با ۶۱/۵۳ (۳۲ نفر) در این مساله نقش ایفا می کنند.
- ۳- مساله مجرد یا مزدوج، مطلقه و متارکه بودن افراد به گونه ای است که ۶۹/۲۳ (۳۶ نفر) از مشارکت کنندگان متأهل و ۲۵/۱۳ (۱۳ نفر) افراد مجرد و ۵/۵۶ (۳ نفر) از داوطلبان مطلقه یا متارکه بودند.
- ۴- ۸۰/۴۲ (۴۲ نفر) از محسنین نظام آموزش رسمی از شاغلان جامعه با سطح درآمدی متوسط رو به بالا بودند و سهم سایر اقشار (بازنشستگان، زنان خانه دار و...) در این حوزه تنها ۲۰ درصد (۱۰ نفر) است.
- ۵- از میان داوطلبان ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری در نظام آموزش رسمی کشور؛ ۹۱/۶۱ درصد (۵ نفر) در مناطق پایین شهر، ۶۱/۵۳ درصد (۳۲ نفر) در مرکز شهر و ۲۸/۸۴ درصد (۱۵ نفر) در مناطق بالای شهر بودند.
- ۶- سطح تحصیلات ۱۱/۵۳ درصد (۶ نفر) زیر دیپلم، ۱۳/۴۶ درصد (۷ نفر) دیپلم، ۱۵/۳۸ درصد (۸ نفر) فوق دیپلم، ۵۵/۷۶ درصد (۲۹ نفر) لیسانس و ۳/۸۴ درصد (۲ نفر) فوق لیسانس و دکتر است. پس طبقه تحصیلی کارشناسان آموزشی بیشترین سهم را در این زمینه به خود اختصاص داده اند.
- ۷- در خصوص میزان استفاده جامعه از اینترنت و رسانه ۵/۷۶ درصد (۳ نفر) کم، ۴۸/۰۷ درصد (۲۵ نفر) متوسط، ۲۶/۹۲ درصد (۱۴ نفر) زیاد و ۱۹/۲۳ درصد (۱۰ نفر) خیلی زیاد از اینترنت و رسانه ها استفاده می کنند.
- محقق به جهت دستیابی به نتایج جامع در پژوهش، مولفه های تأثیرگذار دیگری همچون میزان بهره مندی جامعه از اعانات، امداد و اوقاف جامعه را عامل اثربخش دانسته و در تحلیل آماری به این نتیجه رسیده که از میان مجموع پاسخگویان ۵/۷۶ (۳ نفر) از پاسخگویان اصلا، ۲۳/۰۷ (۱۲ نفر) کم، ۳۲/۶۹ (۱۷ نفر) متوسط، ۳۴/۶۱ (۱۸ نفر) زیاد و ۳/۸۴ (۲ نفر) خیلی زیاد از خیرات و اوقاف استفاده می کنند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی ضمن حمایت از ساختار عاملی به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی، نشان دادند که الگوی دو عاملی AESI در مقایسه با الگوی تک عاملی، برازش بهتری با داده ها دارد. همبستگی مثبت معنادار بین نمره های مقیاس ترس از ارزیابی منفی با نمره های زیر مقیاس ها و نمره کل AESI مبین روایی همگرای این فهرست بود. همسانی درونی زیر مقیاس ها و عامل AESI مناسب بود. نتایج پژوهش حاضر، ثبات ساختار عاملی AESI و اعتبار این فهرست را برای سنجش تنیدگی ناشی از انتظارهای تحصیلی نشان دادند.

یافته های استنباطی (تحلیل عاملی اکتشافی)

۱- رابطه بین سن و آموزش رسمی در ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری با ضریب همبستگی ۰/۲۶۱ معنی داری شده است (Sig=۰/۰۰۰). به این معنا که هر میزان سن پاسخگویان افزایش یابد، نقش آموزش رسمی در ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری نیز افزایش می یابد. بنابراین بین مقوله سن و نقش آموزش رسمی در ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری رابطه وجود دارد، تایید می گردد.

۲- نقش نظام آموزشی در ترویج فرهنگ احسان و نیکو کاری بر اساس نوع جنسیت (زن یا مرد) متفاوت است (Sig=۰/۰۰۰). به این معنا که میانگین نقش نظام آموزشی بر نیکوکاری زنان (۱۹۴/۲۴) است. بنابراین موضوع تاثیر جنسیت زن در نظام آموزشی جهت ترویج فرهنگ احسان و نیکو کاری، تایید می گردد.

۳- وضعیت تأهل متغیر اسمی چند مقوله ای و متغیر اصلی (آموزش رسمی) در سطح فاصله ای اندازه گیری گردیده، مقدار (F=۲۰/۳۴۵) و سطح معنی داری (sig=۰/۰۰۰) می باشد، بنابراین نسبت معنی داری بین میانگین نقش آموزش اکادمیک در ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری بر حسب وضعیت تأهل در بین پاسخگویان وجود دارد. لذا اثربخشی معنادار مورد تایید است.

۴- خروجی آزمون نشان داد میانگین میزان نقش آموزش رسمی در ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری در بین افراد شاغل و غیر شاغل تفاوت معنی داری نشان نمی دهد (Sig=۰/۰۵۶). بنابراین این مساله که بین نقش آموزش رسمی در ترویج فرهنگ نیکو کاری بر اساس شغل تفاوت وجود دارد، تایید نمی گردد.

۵- رابطه بین تحصیلات و نقش رسانه ها در ترویج فرهنگ احسان و نیکو کاری در مدارس با ضریب همبستگی ۰/۲۹۴ معنی دار وجود دارد (Sig=۰/۰۰۰). بنابراین مقوله بین تحصیلات و نقش رسانه ها در ترویج فرهنگ نیکوکاری رابطه وجود دارد، مورد تایید است.

۶- میانگین اثر نقش آموزش های عمومی در ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری آموزشی به طور معنی داری (Sig=۰/۰۰۰) کمتر از متوسط (۱۶۹/۰۱۵ > ۲۱۰) است. لذا نقش آموزش های عمومی در ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری در حد متوسط است، تایید نمی گردد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، طراحی و اعتباربخشی الگوی ترویج فرهنگ امداد داوطلبانه عمومی در تقویت کارآمدی نظام آموزش رسمی کشور است. در وجوب عقلی و شرعی خیرات و لزوم مساعدت همگانی در تقویت نظام آموزش رسمی، تردیدی نیست. اما سلسله عوامل مهمی در طراحی و اعتباربخشی الگوی احسان در نظام آموزش رسمی کشور دخیلند. در رأس این عوامل،

اقتضائات اقتصادی جامعه، باور به اعتلای ارزش ها و ترویج فرهنگ مدیریت مشارکتی آموزشی است. مربیان پرورشی در ترویج حسنات امدادی خاصه مساله اعتقاد به ارزش صدقات در مدرسه می توانند یاری رسان خوبی در امور خیریه باشند و می توانند نسل آینده را طوری تربیت کنند که در خصوص اشاعه امور خیر، از هیچ اقدامی فروگذار نکنند.

بی شک، تصدی گری متمرکز دولت در آموزش مانع توسعه امداد آموزشی و وقف فرهنگی است. احیای امور حسنه و مقولات خیر از راه جذب سرمایه های کوچک و مشارکت آحاد جامعه در امور آموزشی خواهد توانست عواید ارزشمندی را در جهت رفع کمبودهای آموزشی را به ارمغان آورد. تعلیم و تربیت میلیون ها دانش آموز نوع دوست و مشارکت طلب، وجود هزاران مدرسه خیریه ای و اوقافی، اعطاء زمین وساخت مراکز علمی، ارائه مساعدت های تاثیرگذار آموزشی و تربیتی عام المنفعه، ساخت کتابخانه، بیمارستان، حسینیه و... هزاران کمک شهروندان یک جامعه در عرصه های گوناگون می تواند بهترین گواه تاثیر آموزش جهت احیا و ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری در ایران اسلامی باشد، نهادینه کردن فرهنگ امداد و احسان در جامعه و نظام آموزشی و ایجاد بستر مناسب جهت تسریع در امور خیر و نیکوکاری، اولین قدم در خصوص ایجاد فرهنگ احسان عمومی در جامعه است. قطعاً هر قدر از احسان عمومی در قالب صدقات، خیرات، موقوفات و نذورات به بدنه تعلیم و تربیت رسمی کشور تزریق گردد، خواهد توانست نسل آینده دانش پذیر را با آسیب های کمتری مواجه سازد و افق امیدوارانه تری را نوید دهد.

مطابق نتایج توصیفی و استنتاجی این تحقیق، واکاوی عمده ترین چالش ها پیرامون نحوه طراحی فرهنگ احسان در نظام تعلیم و تربیت رسمی، نشان از رد پای چند عامل اثربخش در این قلمرو اجتماعی دارد:

۱. طبق یافته های این الگوی پژوهش، اشاعه مثبت الگوی مذکور بر محور افراد متاهل جامعه استوار است. اینان غالباً به دلیل نگرانی در خصوص آینده فرزندان خود و نقش مدارس در تعلیم و تربیت آنان، از روحیه مشارکت و انفاق در حوزه آموزش برخوردارند و افراد مجرد و مطلقه سهم ناچیزی در ترویج و اجرای مطلوب این موضوع دارند. لذا محور طراحی بهینه الگوی پژوهشی فوق الذکر، منوط به ترسیم هرم متاهلین جامعه در الگوی تحقیق است.

۲. یافته های پژوهش حاضر نشان داد بار حمایت مالی و پشتیبانی اجرای الگوی امدادگرانه در آموزش رسمی بر دوش طبقه ممتول بالانشین شهری و سه دهک اول جامعه در مناطق مرفه شهر سنگینی می کند و سایرین کم بهره اند. پس بنابراین بایسته است در طراحی الگوی مد نظر، ثروتمندان و مقامات بالانشین بر فراز مثلث و در نوک پیکان هندسی قرار گیرند.

۳. مطابق نتایج مآخوذه این پژوهش، هرچند مساله وقف و هبه به مدارج تحصیلی خیران و محسنین ارتباط مستقیمی ندارد، ولی غالب امدادگران و واقفین دارای مدرک دانشگاهی لیسانس

بوده و از طبقه ی کارشناسان جامعه و در حدمتوسط محسوب می گردند و سایر طبقات دارنده مدارک تحصیلی زیر لیسانس یا بالاتر سهم کمتری در اعتباربخشی الگوی مطلوب تحقیق دارند. ۴. طبق یافته های این تحقیق، مردان جامعه به دلیل توانمندی اقتصادی و مالکیت سرمایه و تصاحب قدرت و ذخیره ثروت به مراتب سهم بیشتری در اجرای الگوی احسان آموزشی نسبت به زنان دارند و هرچند لازم است از ظرفیت زنان خیر بهره کافی را برد، ولی سهم مردان تقریباً دوبرابر زنان در این عرصه است و لذا طراح الگو از این نسبت عددی باید پی ببرد که ارتفاع ضلع الگوی مدنظر باید جهتی غالباً مردانه داشته باشد. مطابق نتایج اکتشافی و استنباطی این پژوهش که با ابزار مصاحبه و پرسشنامه صورت گرفت، محرز گردید ۱. شرایط ناپایدار اقتصادی و تورم در سطح جامعه، سبب شده روحیه انفاق و مشارکت در عدم توسعه و ناکارآمدی نظام آموزشی به نحو برجسته مشاهده گردد و از آنجا که نابرابری مالی و تورم می تواند سبب دارایی عاملان اقتصادی را دگرگون سازد، لذا اوضاع تحریم اقتصادی کنونی مزید بر علت است که اقشار ضعیف و متوسط به دلیل اولویت های معیشتی و ضرورت های حیات اقتصادی خود، در خصوص این نکته اقبال مناسبی نشان ندهند. بنابراین، ردپای مسائل اقتصادی در چگونگی ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری اثر قابل توجهی داشته و در نتیجه اعتباربخشی الگوی مزبور در سایه درک شرایط اقتصادی مناسب ممکن می گردد.

۲. عدم صداقت و امانت داری برخی از مدیران سازمانی و ناآگاهی یا بی خردی در هزینه کرد کمک های محسنین در حوزه آموزش رسمی، ارتشا و فساد سازمان یافته برخی مسوولان، عدم ثبات مدیریت در نهادها و سازمان های متولی امر آموزش، عدم اعتماد کافی بین اولیا و مربیان در مدارس و عدم توانایی مدیران مدارس و نهادهای متولی در توجیه و تفسیر دریافت کمک های مردمی و اعانات آموزشی سبب گردیده است که فرایند تعلیم و تربیت غریب و مظلوم بماند و از خیل کمک های مردمی و حمایت های داوطلبانه محروم بماند، لذا بایسته است در اعتبار سنجی علل اعراض از فرهنگ احسان در نظام آموزشی، نقائص مذکور را مرتفع کرد.

۳. ضعف فرهنگ عامه ارزشی امدادگری و کاستی های تبلیغ جذاب در زمینه وقف و خیررسانی گسترده پیرامون نظام آموزش و پرورش رسمی، امری مشهود است. قاطبه ایرانیان، از گذشته دور تاکنون در زمینه امور عقیدتی و ساخت اماکن مذهبی، اهل وقف و بذل اعتبار بوده اند، ولی در عرصه آموزشی، همت به خرج نداده اند و در این زمینه، نسبت به آیندگان پاسخی قانع کننده نداریم. پس بایسته است بر همگان ثابت گردد که نظام آموزشی بیش از سایر قلمروها نیازمند خیرات محسنین و جهت دهی اوقاف و صدقات است.

۴. عدم آمادگی زیرساخت های فنی و طراحی نظام متمرکز اداری مالی و پشتیبانی آموزش و پرورش رسمی، باعث شده است سبب شده فرهنگ مشارکت عمومی در زمینه تعلیم و تربیت به

حاشیه رود و بایسته است از ظرفیت همه نهادهای معین در راستای تقویت سکان تعلیم و تربیت رسمی، استفاده لازم به عمل آید.

۵. به دلیل نارسایی متون درسی و ناکافی بودن مواد و ابزار و بستر آموزشی در تبیین نقاط قوت و ضعف فرهنگ احسان و نیکوکاری در نظام آموزش رسمی، شایسته است با بازنگری متون و طراحی مجدد دروس از پایه تا تکمیلی در جهت تقویت و ترویج حسنه الگوی آرمانی، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.

نکته آخر این که: به لحاظ این که اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که در زمینه ی احسان آموزشی ونقش و تأثیر آن بر روی کیفیت فرایند آموزش و پرورش رسمی از نوع کمی است، لذا بایسته است پژوهش‌های کیفی مانند فرا تحلیل و تحلیل محتوا در تقویت این موضوعات صورت پذیرد تا چالش‌های شناسایی عوامل مرتبط با نقش آموزش در نظام رسمی بصورت علمی برای مسوولان این عرصه مشخص گردد. از آنجا که دستیابی مطلوب اهداف سازمانی جز با تکیه بر معیارهای مصوب الگوی مزبور میسر نیست. لذا رسالت دستگاه‌های فرهنگی، دمیدن روح تعاون و احسان اجتماعی در کالبد تعلیم و تربیت عمومی جامعه است. پیشنهاد می‌گردد فرهنگ مهارت‌های زندگی مشترک در سطح جامعه و به ویژه در نظام آموزشی کشور مورد توجه واقع گردیده و ستادهای راهبردی کشور از این سهم حداکثری در ترویج الگوی محوری فرهنگ احسان و نیکوکاری در ساختارهای آموزش رسمی، نهایت بهره‌برداری را به عمل آورند. به نظر می‌رسد با هدف ترویج فرهنگ احسان و نیکوکاری آموزشی، صاحبان نفوذ و متمولین از مراکز رسمی آموزشی در مناطقی از کشور، تبلیغات و اطلاع‌رسانی بهتری در این خصوص صورت دهند و ضمن آموزش مدیران مراکز آموزشی، در این زمینه صرفاً منتظر حمایت دستگاه‌های معین مانند کمیته امداد امام(ره) و بهزیستی نباشند.

References:

- Bazargan, A. (2009). Introduction to qualitative research methods in the behavioral sciences and mixed with conventional approaches. Tehran: Publication visit[Persian]
- Cimer, A (2015). Effective teaching in science: A review of literature, *Journal of Turkish Science Education*, 4(1): 20-44
- Batavani, M and Ghayoor M. (2002). The importance of teacher participation in curriculum planning, *Journal of Educational Technology*, Number 5
- Curran, L. (2006). Understanding the process of adjustment to illness. *Social Science and Medicine*, 62, 1153-1166.
- Khadivi A., Maleki H. (2007). Identification the Parameters of Supportive Supervision and Present the Perceptual Appropriat Model for Iran Education. *Knowledge & Research in educational Science.*, 13: 25-50
- Kaiser, F. G., & et al (2017). "Behavior-based environmental attitude: Development of an instrument for adolescents", *Journal of Environmental Psychology*, 27(3)
- Mehr mohammadi, M. (2006). Knowledge based society and education theory questions based on the books of writers (authors), *Educational Sciences*, Tehran: samt publication. [persian].
- Moosapoor. M. & etc. (2016). Providing an efficient educational model of good and charity in the context of the education system. The First National Conference of Good Lives (Study and Evaluation of Good Affairs in Iran), Alaa Leadership Charity Foundation, Tehran, [persian].